

فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies

شماره بیست و چهارم، تابستان ۱۳۹۷، صص ۱۳۰-۱۱۳ Vol 2. No 24. 2018, p 113-130

ISSN: (2538-6395)

شماره شاپا (۲۵۳۸-۶۳۹۵)

اخلاق حرفه ای و کالت و حقوق شهرondonان

هدیه میرزایی کنک لاهیجانی^۱. محمد فرید پرچین سفلی^۲

۱. کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، پیام نور تهران جنوب، ایران

۲. دانشجوی دکترای حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، ایران

چکیده

اخلاق حرفه ای و کالت دارای بایدها و نبایدهای است که برخی از آنها در قانون و مقررات و آیین نامه آمده است ولی اخلاق حرفه ای نانوشته در بسیاری از مشاغل همیشه بوده است و ممکن است در ادوار دچار تحول گردد همچنین اخلاق حرفه ای در عرف‌های مختلف ممکن است متفاوت باشد به عنوان مثال در یک عرف، مراجعت و کیل به محل کار که به هر دلیلی عدم رعایت اخلاق حرفه ای محسوب شود ولی در عرف دیگری حسن اخلاق محسوب گردد بنابراین آنچه در این مقاله مورد توجه واقع شده است اخلاق حرفه ای امروزه ای می‌باشد که به بررسی شاخص‌های اخلاق حرفه ای و کلا پرداخته شده است و ارتباط اخلاق حرفه ای با حقوق شهرondonی به طور مفصل بررسی شده است در واقع می‌توان گفت حق شهرondonی موکلین ایجاب می‌کند که از اخلاق حرفه ای و کلا بهره مند گردد و عدم رعایت اخلاق حرفه ای از سوی وکیل موجب سلب این حقوق شهرondonی موکلین خواهد شد. دو موضوع در خصوص اخلاق حرفه ای و کلا حائز اهمیت است. حق شهرondonی برای موکلین و کسانی که مراجعت می‌کنند و تکلیف برای وکلا باید توجه داشته باشیم که باید دامنه مفهوم حق شهرondonی را آنقدر توسعه داد که حقوق شهرondonی و کلا در زمان انجام فعالیت وکالتی نادیده گرفته شود و این حق در ارتباط با وکلا نقض گردد چون این دو موضوع نافی حق برای وکلا نبوده و آنان نیز باید از این حق بهره مند هستند.

واژه‌های کلیدی: حق شهرondonی، اخلاق حرفه ای، وکالت

۴۵۰ مقدمه

اخلاق و رفتار خوب و حرفه ای از دیرباز مورد ستایش بوده در کار و حرفه بیشتر خود را نمایان می سازد در این میان اخلاق حرفه ای شغل و کالت نیز مستثنی نیست اخلاق حرفه ای مجموعه ای از اصول و قواعدی است که بر محیط کسب و کار ناظر است و ریشه در زمینه های تربیتی و فرهنگی و اجتماعی و خانوادگی و آموزه های دینی و اعتقادی صاحبان آن حرفه می باشد بنابراین در بسیاری از جوامع این اخلاق متفاوت می باشد و ممکن است یک اخلاق در جامعه ای ارزش و در جامعه دیگر ضد ارزش باشد و یک وکیل با انجام آن عمل در یک جامعه مورد تشویق و در جامعه دیگر مورد نکوهش قرار گیرد. اخلاق حرفه ای با حقوق شهروندی عجین شده است به طوری که رعایت اخلاق حرفه ای رابطه مستقیم با حقوق شهروندی دارد. هر چقدر اخلاق در حرفه وارد شود به همان اندازه شهر وند از آثار آن برخوردار خواهد شد بنابراین اخلاق حرفه ای می تواند آثار مثبت و منفی را به جامعه و شهروندان منتقل نماید. در این مقاله در پی آن هستیم که بدانیم اخلاق حرفه ای و کالت چیست. آیا تعریف اخلاق حرفه ای با معیار نوعی است یا شخصی؟ رعایت اخلاق حرفه ای الزام آور است یا نه؟ چه مواردی سبب ایجاد اخلاق حرفه ای مناسب با حقوق شهروندی است رابطه حقوق شهروندی با اخلاق حرفه ای به چه صورت است آیا ضرورت رعایت حقوق شهروندی رعایت اخلاق حرفه ای است؟ در این زمینه منابعی از قبیل کتاب و کالت دکتر حسینعلی کاتبی، و کتاب وکیل دادگستری و اخلاق حرفه ای مولف بهمن کشاورز وجود دارد و کارهای تحقیقاتی دیگری نظری اخلاق حرفه ای در وکالت به نویسنده اشرف محمودی و اخلاق حرفه ای و ارتباط آن با حقوق شهروندی دکتر محمد جعفر ساعد و اخلاق حرفه ای و کالت و حقوق شهروندان دکتر سید حسین حسینی که به شاخص های رفتار و اخلاق حرفه ای و کلا پرداخته و آنها را مورد بحث و بررسی قرار داده است در جهت یافتن پاسخ های مناسب به سوالات مطرح شده در این مقاله در دو فصل به موضوع پرداخته شده است در این مقاله به تشریح آنها خواهیم پرداخت. اخلاق حرفه ای مجموعه قواعدی است که در جهت بهبود بخشیدن و توسعه به آن حرفه مورد توجه قرار گرفته است و به نظر می رسد در جهت رعایت حقوق شهروندی، رعایت کردن اخلاق حرفه ای ضروری است و وکلا بایستی برای دستیابی به حقوق شهروندی موکلین؛ اخلاق حرفه ای را در سر لوحه امور خود قرار دهند به نظر می رسد اخلاق و رفتار مناسب و کلامی تواند آثار مثبت برای شهروندان داشته باشد یکی از حقوق شهروندی، برخورداری از وکیل با اخلاق حرفه ای مناسب می باشد.

تعریف اخلاق حرفه ای

«این مسکویه» در کتاب «تہذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق»، می گوید: «خلق همان حالت نفسانی است که انسان را به انجام کارهایی دعوت می کند بی آن که نیاز به تفکر و اندیشه داشته باشد.»

می توان علم اخلاق را چنین تعریف کرد: «اخلاق علمی است که از ملکات و صفات خوب و بد و ریشه ها و آثار آن سخن می گوید» و به تعبیر دیگر، «سرچشمه های اکتساب این صفات نیک و راه مبارزه با صفات بد و آثار هر یک را در فرد و جامعه مورد بررسی قرار می دهد». بعضی از غریبها نیز علم اخلاق را چنان تعریف کرده اند که از نظر نتیجه با تعریفهایی که ما می کنیم یکسان است، از جمله در کتاب «فلسفه اخلاق» از یکی از فلاسفه غرب به نام «ژکس» می خوانیم که می گوید: «علم اخلاق عبارت است از تحقیق در رفتار آدمی به آن گونه که باید باشد.» در حالی که بعضی دیگر که بینش های متفاوتی دارند (مانند فولکیه) در تعریف علم اخلاق می گوید: «مجموع قوانین رفتار که انسان به واسطه مراجعات آن می تواند به هدف خود، علم اخلاق است. همچنین اخلاق عبارت از اصولی است که تأمین کننده قدرت باشد. اخلاق عبارت از اصولی است که قابل تعمیم در میان افراد باشد. کانت فیلسوف آلمانی معتقد بود که شخص بایستی همیشه چنان رفتار کند که گوئی راه پرورش و رفتار او یک قانون کلی و تمام می شود.» (طباطبایی، ۱۳۷۴) مبانی اخلاق حرفه ای و انتظارات اجتماعی عبارت است از:

۱. صداقت و راستگویی.
 - ۲- انصاف و برابری
 - ۳- امانت داری
 - ۴- وفاداری و احساس مسؤولیت اجتماعی
- (بهرامی، میر طاهری، ۱۳۹۵) باید گفت که موفقیت از اخلاق حرفه ای سرچشمه می گیرد و اخلاق حرفه ای از اعتماد آفرینی ایجاد می شود اعتماد آفرینی نیز از پیش بینی رفتار ایجاد می شود و پیش بینی رفتار از مستمر بودن و قانونمند بودن رفتار سرچشمه می گیرد و مستمر بودن و قانونمندی از مسؤولیت ناشی می شود و مسؤولیت از قانون و باورهای فرد شکل می گیرد. (دوانی، ۱۳۹۳) در واقع می توان گفت این باورها و اعتقادات شخصی است که فرد را مسؤولیت پذیر و قانونمند می نماید و نتیجه قانونمند بودن فرد، این است که می توان رفتار وی را پیش بینی نمود. پیش بینی پذیری رفتار نیز منجر به اعتماد آفرینی خواهد شد و این همان اخلاق حرفه ای است که بر پایه باورها و اعتقادات فردی شکل گرفته است. اخلاق حرفه ای عبارت است از مجموعه اصول و قواعد رفتاری و اخلاقی که حرفه های مختلف به هنگام ایفای نقش حرفه ای خود مکلف به رعایت آن ها می باشد در اخلاق حرفه ای امروزی داشتن هویت علم و دانش، داشتن نقشی کاربردی و ارائه صیغه ای حرفه ای و بومی و وابسته بودن به فرهنگ و وابستگی به یک نظام اخلاقی و ارائه دانش انسانی دارای زیان روشن انگیزشی همچنین ارائه روی آورده میان رشته ای را می توان از ویژگیهای اخلاق حرفه ای دانست (بهرامی، میر طاهری، ۱۳۹۵)

مفهوم اخلاق حرفه ای

باید اذعان داشت در تعریف اخلاق حرفه ای رفتاری متداول در میان اهل یک حرفه و مدیریت رفتار و کردار آدمی هنگام انجام دادن کارهای حرفه ای مورد توجه قرار گرفته است. اخلاق حرفه ای مجموعه ای از اصول و استانداردها است که رفتار افراد و گروهها را تعیین می کند در واقع، اخلاق حرفه ای، یکسری فرایندهای مبتنی بر فکر و جهت یابی دارد و یک فرایندهایی نیز برای تحقق این اندیشه ها. به عبارتی اخلاق

حرفه‌ای، سبک چگونه زیستن و چگونه رفتار کردن در یک تخصص و در یک محیط تخصصی اعم از فردی و سازمانی را تعیین می‌کند. اخلاق حرفه‌ای، سلسله واکنش‌ها و رفتارهای مقبول و پذیرفته شده است که بخش‌های مهمی از آن‌ها در تخصص‌های مختلف از سوی سازمان‌ها و مجتمع تخصصی، صنفی و حرفه‌ای برای مطلوب بخشی به روابط اجتماعی، به صورت آئین نامه و قانون می‌آید لکن بنده معتقدم اولاً همهی اخلاق حرفه‌ای را نمی‌توان در قالب‌های رسمی تعریف کرد و ثانیاً نمی‌توان همهی ابعاد اخلاق سازمانی و یا حرفه‌ای را از اخلاق فردی، شغلی و یا کار تفکیک نمود. به طور عام، مبانی اخلاق حرفه‌ای و انتظارات اجتماعی برخاسته از آن عبارتند از: صداقت، عدالت، امانت‌داری و وفاداری و احساس مسئولیت در جریان کسب و کار. (وکیلی، ۱۳۹۱)

مفهوم شناسی اخلاق و اخلاق حرفه‌ای باعث می‌شود تا در درک دقیق‌تر این دو مفهوم توجه بیشتری نموده و از تسری اهداف دو حوزه متفاوت به مصاديق اجتناب شود. اخلاق مفهوم عام تر از اخلاق حرفه‌ای است شامل سلسله قواعدی است که در طول ادوار زندگی یک جامعه، بر حسب فطرت انسانی در اندیشه‌ها به وجود آمده و رعایت صور حسن‌آن، علاوه بر قابل احترام بودن، در نزد اکثری افراد اجتماع لازم شمرده می‌شود و عدم رعایت اخلاق، ضمانت اجرایی و مانع قانونی ندارد. اساساً "حرفه و کالت نیز، به دلیل داشتن ارتباط تنگاتنگ با کنش‌ها و معضلات مختلف حقوقی و اجتماعی، از امر اخلاق نه تنها به دور نبود بلکه شیوه‌های مختلف حرفه‌ای آن با این مقوله، عجین می‌باشد. (غضنفری، ۱۳۹۰) اخلاق حرفه‌ای مجموعه‌ای از اصول، قواعد، احکام و مضامین اخلاقی حاکم بر حوزه کسب و کار است. بی‌شك رونق و دوام هر کسب و کاری، در گرو تعامل صحیح صاحبان آن حرفه با مردم و کسانی است که مشتریان و یا مقاضیان خدمات آن حرفه تلقی می‌شوند. تعامل صحیح با مردم و مقاضیان نیز، تعاملی است که بر پایه رعایت مسائل اخلاقی و برگرفته از اصول و مضامین اخلاق حرفه‌ای باشد. (محمدی‌جوzdانی، ۱۳۹۲) در قلمرو کلان در این رویکرد می‌توان از اخلاق نظری و اخلاق عملی یاد کرد. اخلاق نظری با رویکردی انتقادی، در صدد شناسایی خوب و بد، درست از نادرست و حسن و قبح است و اخلاق عملی با رویکردی عرفی، به خصیصه‌های انسان کامل پرداخته و با مشاهده رفتار انسان‌ها در روند جیاتشان داوری می‌کند. بدینهی است که معیار این داوری، آموزه‌ها و میارهایی است که اخلاق نظری بارویکردی انتقادی به اخلاق عملی ارائه می‌دهد؛ هرچند که اخلاق نظری نیز با مشاهده اخلاق عملی و اندیشه‌های نظری که دارد، سرانجام به مقوله اخلاق مطلوب خود نائل آمده و آن را به اخلاق عملی پیشنهاد می‌دهد. بنابراین اخلاق عملی ریشه در اخلاق یا نظری دارد و شاید بتوان گفت مکمل هم می‌باشد. اخلاق نظری درخواست می‌کند تا از موکل متهم به گونه‌ای که ممکن است دفاع شود، حتی زمانی که وکیل می‌داند این شخص مجرم بوده و متهم در آزادی به طور بالقوه گراش به بزهکاری خواهد داشت بنابراین اخلاق حرفه‌ای، از اخلاق نظری سرچشم‌می‌گیرد. در برخی موارد حکومت با عنایت به ارزش‌های شناسایی شده از سوی اخلاق، بر آن دسته از ارزش‌های اخلاقی که جنبه بنیادین و اساسی دارند، تأکید کرده و آنها

را در قالب قواعد، معرفی می‌کند و بعضاً "برای نقض آنها ضمانت اجرا نیز، تعین می‌کند مانند کارمندی که به علت برخورد غیرقانونی و عدم تکریم ارباب رجوع توبیخ می‌گردد. از این رو، در گستره اخلاق حرفه‌ای نیز، پاره‌ای از ارزش‌های عام هنرمنایی می‌کنند. (ساعده، ۱۳۹۰)

رابطه اخلاق حرفه‌ای با مفاهیم دیگر

اخلاق حرفه‌ای با دیگر مفاهیم ممکن است رابطه‌ای تنگاتنگ داشته باشد که به چند مورد از آن می‌پردازیم:

اخلاق حرفه‌ای و اخلاق

در دو نگاه عام و خاص اخلاق به تعریف درآمده است و در هر مورد، تعاریف گونا گونی ارائه داده اند. در مفهومی عام، اخلاق در معنای اصل اخلاقی یا نظامی از ارزش، عبارت است از اصولی از درست و خطاست که به وسیله یک شخص و گروهی اجتماعی پذیرفته می‌شود و اخلاق در معنای کد اخلاقی، نظامی از اصول حاکم بر اخلاق و رفتار قابل قبول محسوب می‌گردد. در مفهومی خاص، اخلاق در معنای فلسفه اخلاقی یا علم اخلاق به مطالعه فلسفی ارزش‌ها و قواعد اخلاقی تعبیر شده است؛ اخلاق، شاخه‌ای از فلسفه است که پرسش‌هایی راجع به اخلاق عملی را مورد بررسی قرار می‌دهد، یعنی، یعنی مفاهیمی نظری خیر در مقابل شر، اصالت در مقابل عدم اصالت، درست در مقابل خطأ و مسائل عدالت، عشق، صلح و فضیلت؛ اخلاق، تصمیم گیری درباره بایدها و نبایدهاست و مردم از زمان‌های دیرین همواره به دنبال یافتن بهترین رهگذرها برای رفع مشکلات اجتماعی در پرتو اخلاق و به واقع تصمیم گیری های اخلاق بوده اند و سرانجام این که اخلاق، علم نسبت های موجود میان ادھان و اراده‌ها و اعمال انسان هاست، به همان وجه که هندسه علم نسبت های بین اجسم است. (برلین، ۱۳۸۷) به واقع، به زبانی ساده‌تر، اخلاق نوعی هنر است، هنر انجام رفتارهای آزاد و مبتنی بر خرد. (زاگال، ۱۳۸۶) اخلاق، صورتی از زندگی است و زندگی انسان یک کاوش پیش رونده در جهت دست یابی به بهروزی؛ تلاشی است مداوم برای حصول بهروزی از رهگذر اعمال و رفتاری آزاد؛ رفتاری آزاد از این منظر که هم اندیش با ژان پل سارتر، چون انسان محکوم به آزادی است، از این رو، بهروزی اش با آزادی اش رابطه‌ای ملازم می‌سازند که چون یکی نباشد دیگری نشاید و برعکس؛ یعنی، بهروزی آزاد- محور موجود انسانی. جان کلام بحث، ملازمه سه عنصر انسان، آزادی و بهروزی است که فلسفه از رهگذر اخلاق، خرد را به همه‌همه و امی دارد که تراویشی نماید و مسیر بهروزی را با توصل به آزادی برای این سوژه روشن نماید. بدین سان، «رفتار انسانی» در کتاب «رفتار انسان» که گزاره نخست از «آزادی و اراده وی» سیراب می‌گردد و دیگری از «سرشت طبیعی و غیر ارادی اش» به سمت و سویی در حرکت است که آرمان غایبی اش رخساره برافروزد. از این روست که اخلاق نظریه‌ای ناظر بر سعادت و بهروزی انسان، به واقع، ره نمودی برای رسیدن به خوشبختی است.

این خوبیختی همان تحقق انسانیت اوست، یعنی رسیدن به کمال انسانی. این بهروزی بدان سان که والاترین هدف انسان است، والاترین خیر او نیز به شمار می‌آید. در این راستا، همه انسان‌ها در «میل به آن» یکسان‌اند، گرچه به یک اندازه در این مسیر کامیاب نمی‌شوند. در نتیجه، اخلاق، هنر خوبیختی است. به واقع، آموزه‌ای برای بهروزی و رهنمایی برای سعادت است. در اخلاق، مسئله اصلی تحقق انسانیت از راه اعمال انسانی حقیقی است. هر گاه این اعمال حد اعتدال را رها سازد و به افراط یا تفریط گرایش یابد، چهره حقیقی خود را از دست می‌دهد. با این حال، برای روشن شدن جای گاه اخلاق حرفه‌ای در گستره اخلاق، لازم می‌نماید تا به جلوه‌ای از دسته بندی‌های اخلاق پرداخت و از این نظرگاه، گریزی به وادی اخلاق حرفه‌ای زد و جای گاه آن را در قلمرو وسیع اخلاق شناسایی کرد. به موجب این نظرگاه که اخلاق را با قلمرویی کلان در نظر می‌گیرد، می‌توان از اخلاق نظری و اخلاق عملی یاد کرد. به تعبیری دیگر، «علم اخلاق» یا «اخلاق نظری»-نظریه اخلاقی-متمازی از «اخلاق عملی» است. می‌توان این تمازی را به شکل مقایسه‌ای با تمازی میان حقوق و فلسفه حقوق به قلم راند و هم چنین می‌توان تمازی مزبور را از رهگذر تمازی میان اخلاق عملی اثباتی و انتقادی آن گونه که جان آستین و هارت بیان داشته‌اند، به تصویر کشید. دانش واژه «اخلاق عملی» می‌تواند در معنای اخلاق عملی اثباتی به کار بردشود، یعنی «اخلاق عملی واقعاً پذیرفته شده و مشترک از سوی یک گروه اجتماعی معین». اخلاق مشترک، نظامی اخلاقی است که مردم خردورز و اندیشه مند، معمولاً به شکل ضمی در زمان اتخاذ تصمیمات و داوری‌های اخلاقی به کار می‌برند. این اخلاق تنها راهنمایی برای رفتار مؤثر بر دیگران است که همه اشخاص ناطق در کمی کنند و همگی می‌توانند موافق آن باشند. (ساعده، ۱۳۹۰)

اخلاق و اخلاق حرفه‌ای در عین حالی که اهداف و وجوده مشترکی را دارا هستند اختلافاتی را هم دارند قانونمندی و تنظیم رفتار‌ها در جهت تضمین روابط موزون و هماهنگ به این افراد از جمله اشتراکات آن دو می‌باشد با این تفاوت که اخلاق حرفه‌ای فراخوان افراد از جمله اشتراکات آنها می‌باشد مجموعه قواعدی است که یک نظام حرفه‌ای مقرر می‌کند و محدوده رفتارها را مشخص نمود و نقض آنها را با یک ضمانت اجرایی پاسخ می‌دهد اما اخلاق نظامی است که قواعد و ارزش‌های ناظر بر رفتارهای ما را راهبری می‌کند و در صدد ترساندن افراد به ارزش‌های فراتر از تعهدات و وظایف آنها است اخلاق هدفی دارد که جهت آن توسعه توانی‌های انسان در اتخاذ تصمیم‌های مسئولانه است لذا اخلاق حرفه‌ای خود را به حقوق و قواعد آن نزدیک تر نموده است (رستمی، ۱۳۹۳)

اخلاق حرفه‌ای و حقوق شهر وندی

اخلاق حرفه‌ای، جلوه‌ای از اخلاق نظری است که از رهگذر ارزش‌های بنیادین اخلاقی مرتبط با یک حرفه و شغل، تغذیه می‌گردد و مبتلور می‌شود. به گونه‌ای که اخلاق حرفه‌ای با تمرکز بر یک حرفه، از میان ارزش‌های عام اخلاقی، پاره‌ای از آنها را در این حرفه به کار گرفته، درگیر کرده و با تکیه بر آنها به

اشخاص فعال در این حرفه، ضرورت رعایت ارزش‌های اخلاقی مربوطه را گوشزد می‌کند. حرفه‌ها و مشاغل با توجه به ماهیت و سرشی که دارد، واجد اخلاق حرفه‌ای مختص به خود می‌باشد. اخلاق حرفه‌ای، رابطه‌ای مکمل و هم پوشان با حقوق شهروندی دارد. با این توضیح که اخلاق در یک مفهوم عام، از یک سو به منزله منشأ و سرچشمۀ پاره ای از حقوقی است که تحت عنوان حقوق شهروندی خوانده می‌شوند و از سوی دیگر می‌توان اخلاق حرفه‌ای و ضرورت رعایت آن را به مثابه یک حق شهروندی تلقی کرد. با این تعبیر، می‌توان رابطه‌ای مسلم و مکمل میان اخلاق حرفه‌ای و حقوق شهروندی متصور شد. (ساعده، ۱۳۹۰) حق شهروندی، تمرکز بر آن دسته از حقوق ذاتی و اکتسابی بشری دارد که یک نظام سیاسی مدیر در جامعه تکلیف دارد و با ابزارهایی که در اختیار دارد آن حق را تضمین و تحقق آنها را تأمین کند. هر شهروند در یک جامعه، به صرف این که انسان است، واجد حقوقی است که حکومت ناگزیر از تضمین آنهاست. افزون بر این، حقوق شهروندی دارای بعد دیگری است و آن، رابطه میان شهروندان با هم و از این منظر است که رابطه صاحبان حرف با مقاضیان خود در چارچوب حق شهروندی مطرح می‌گردد. بنابراین، حق شهروندی دارای دو وجه است: یک وجه آن رابطه میان شهروندان و حکومت است و وجه دیگر آن، رابطه میان شهروندان با خود (دهقان، صادقیان، حیدری و ضمیری، ۱۳۸۸) نهاد و کالت در مواردی که رعایت اخلاق حرفه‌ای نقض می‌شود و به واقع حق شهروندی یک موکل مورد خدشه قرار می‌گیرد، خود وارد عمل می‌شود و با توییغ و کلاز رهگذار کیفرهای انتظامی مختص خویش، آنان را سرزنش می‌کند. در واقع در پرتو سیاست مشارکتی حاصله میان حکومت و نهاد و کالت، حکومت مداخله خود را از باب حمایت از حق شهروندی موکل در مورد رعایت اخلاق حرفه‌ای به نهاد و کالت و این گذارد. با این توضیح که حکومت در هر موردی ضروری نمی‌داند که خود، شخصاً وارد عمل شود و به علاوه، همواره پاسخ به نقض حقوق شهروندان را از رهگذار ابزارهای جنایی و کیفری مناسب نمی‌یابد. از این روی، در چنین مواردی، اختیار ضابطه مندی آن حق و پاسخگویی را به نهاد متولی واگذار کرده تا با بهره گیری از ابزارهای واکنشی خود آن نهاد که بیشتر انتظامی و انصباطی است، به این مهم اقدام نماید. براین اساس، پاسخ‌گویی به نقض اخلاق حرفه‌ای به مثابه حقی شهروندی از سوی نهاد و کالت نه تنها حق موکل را تضمین می‌کند، از مداخله حکومت در وادی و کالت نیز جلوگیری می‌نماید.

(ساعده، ۱۳۹۰)

اُخلاق حرفه ای و کالت

رابطه اخلاق حرفه‌ای و حقوق شهروندی را در دو جلوه می‌توان بررسی کرد: یکی تکلیف و کیل بر اعمال موازین اخلاق حرفه‌ای و حق موکل در این راستا و دیگری، ضرورت حمایت از حق و کیل در مقابل اخلاق حرفه‌ای. در مورد اخلاق حرفه‌ای و حقوق شهروندی در ارتباط با موکل می‌توان اذعان داشت که رعایت اخلاق حرفه‌ای و کلا در ارتباط با وی به مثابه حقی شهروندی است که وکلا باید در همه حال،

این گزاره‌ها را مورد توجه قرار دهنده. در نتیجه، در این قالب، موکل به عنوان یک شهروند مستحق آن است که وکیل در رابطه وکالتی خود با او، موازین اخلاق حرفه‌ای را رعایت نماید و از این منظر وی را به عنوان شهروندی از جامعه خود، مشمول موازین اخلاق حرفه‌ای وکالت نماید. با چنین اوصافی، اخلاق حرفه‌ای یا اصول و قواعد اخلاقی را می‌توان به مثابه‌ی سکه‌ای دو رو تلقی نمود که از یک سو حاوی حق و از سوی دیگر حامل تکلیف است، چنان‌که وجود یکی بدون دیگری معنا نخواهد داشت. حق مزبور متعلق به «موکل» بوده و آن عبارت است از ضرورت رعایت اخلاق حرفه‌ای وکالت نسبت به وی در مراودات و مناسبات با وکیل خویش. تکلیف مزبور نیز ناظر بر «وکیل» بوده و آن عبارت است از الزام او دایر بر رعایت موازین اخلاق حرفه‌ای در مواجهه با موکل خویش. در نتیجه، بدان سان که یک وکیل وظیفه دارد تا ضمن عنایت راسخ به عدالت محوری و قانون گرایی، حداکثر توان قانونی، علمی و تجربی خویش را در پرونده مطروحه مصروف دارد، یا موکل خویش را از تمامی اطلاعات پرونده و عواقب احتمالی آن آگاه سازد، موکل نیز حق دارد تا از تمام توان قانونی وکیل اش بهره برد و از تمامی اطلاعات راجع به پرونده اش آگاه شود. بنابراین، رابطه دوگانه حق-تکلیف بر مناسبات وکیل و موکل حاکم است. این رابطه یادآور دسته بندی هوفلد از مفهوم حق (سید قاری، ۱۳۸۸) و به ویژه «حق مطالبه» است که بدان سان، لازمه حق مطالبه، وجود وظیفه‌ای در طرف مقابل است. بر این اساس، نگارنده معتقد است که «رعایت اخلاق حرفه‌ای» نسبت به موکل در زمرة یکی از «حق‌های شهروندی» هر شهروند و موکل بوده و به مثابه‌ی یکی از «حق‌های اکتسابی بشری» در چارچوب «حق‌های بشری» قرار دارد. از این زاویه بدان سان که اخلاق حرفه‌ای، از چارچوب «ارزش» درآمده و در جامه «حق» قرار گرفته است، می‌تواند واحد ضمانت اجرا در صورت نقض گردد و خاطلی و ناقص آن را با توبیخ و سرزنش، کیفر داد.

باید اذعان داشت که نهاد وکالت خود جلوه‌ای از جامعه مدنی است که در جوامع دمکراتیک ظهور کرده و دو کار ویژه بنیادین را دنبال می‌کند. یکی مشارکت با حکومت در اداره جامعه در موارد خاص و دیگری کنترل اقتدار حکومت در مواردی که بیم آن می‌رود و با اتخاذ پاره‌ای از سیاست‌ها، حقوق و آزادی‌های شهروندان به صورت مطلق یا نسبی نقض گردد. بدین سان، یکی از رسالت‌های جامعه مدنی، مشارکت با نهاد حکومت است. این مشارکت به صورت اداره و مدیریت بخشی از فعالیت‌ها در فرایند اجتماعی است و ظهور اشخاص حقوقی غیردولتی جملگی همیاری با حکومت برای اداره بهتر جامعه است. از این منظر، نهاد وکالت نیز نقشی مشارکتی ایفا کرده و سیاست مشارکتی را به نحو احسن نمایان می‌سازد. (ساعده، ۱۳۹۰) در شناسایی این حق‌ها، اخلاقی یکی از عوامل سیار باز و مسلم است. اخلاق، گستره‌ای است که بر ارزش‌ها و هنجارهای بنیادین بشری صحه می‌گذارد و حکومت نیز با عنایت به ارزش‌های شناسایی شده از سوی اخلاق، بر آن دسته از ارزش‌های اخلاقی که جنبه بنیادین و اساسی دارند، تأکید کرده و آن‌ها را در قالب قواعد معرفی می‌کند و بعضاً برای نقض آن‌ها ضمانت اجرا نیز تعیین می‌کند. در میان این دسته از ارزش‌ها، پاره‌ای دامنه‌ای عام داشته و پاره‌ای نیز خاص. در میان ارزش‌های عام نیز

حسب حرفه ها و امور انسانی، برخی از این ارزش های عام قابلیت اعمال در حوزه خاص می یابند و رنگ و خاص تری به خود می گیرند. در نتیجه، پاره ای از ارزش های عام اخلاقی، رنگ و بوی خاص به خود گرفته و در برخی حوزه های خاص، نقش محوری به خود می گیرند. از این روی، در گستره اخلاق حرفه ای نیز پاره ای از این ارزش های عام هنرمنایی می کنند وارد این گردونه می شوند، در این نظرگاه، رابطه اخلاق عام یا ارزش های عام اخلاقی و اخلاق حرفه ای روشن می گردد.

در مواردی که رعایت اخلاق حرفه ای نقض می شود و به واقع حق شهروندی یک موکل مورد خدشه قرار می گیرد، خود وارد عمل می شود و با توبیخ وکلا از ره گذر کیفرهای انتظامی مختص خویش خاطیان و کیل را سرزنش می کند. در پرتو سیاست مشارکی حاصله میان حکومت و نهاد و کالت، حکومت مداخله خود را از باب حمایت از حق شهروندی موکل در مورد رعایت اخلاق حرفه ای به نهاد و کالت وا می گذارد. با این توضیح که حکومت در هر موردی ضروری نمی داند که خود شخصاً وارد عمل شود و به علاوه، همواره پاسخ به نقض حقوق شهروندان را از زه گذر ابزارهای جنایی و کیفری مناسب نمی بیند. از این روی، در چنین مواردی، اختیار ضابطه مندی آن حق و پاسخ گویی را به نهاد متولی واگذارده تا بهره گیری از ابزارهای واکنشی خود آن نهاد که بیشتر انتظامی و انصباطی است به این مهم اقدام نماید. (ساعده، ۱۳۹۰)

رابطه اخلاق حرفه ای و کالت و حق شهروندی را در دو جلوه می توان بررسی کرد: یکی تکلیف در ارتباط با موکل و دیگری، ضرورت حمایت از حق و کیل در مقابل اخلاق حرفه ای.

اخلاق حرفه ای و کیل در ارتباط با موکل

وکیل در ارتباط با مراجعین و موکلین خویش، از نظر حرفه ای دارای تکالیفی است که پشتیبان این تکالیف در وهله نخست، اخلاق است. در مورد اخلاق حرفه ای و حقوق شهروندی در ارتباط با موکل می توان اذعان داشت که رعایت اخلاق حرفه ای وکلا در ارتباط با وی، به مثابه حقی شهروندی است که وکلا باید در همه حال، آن را مورد توجه قرار دهند. درنتیجه، در این قالب، موکل به عنوان یک شهروند، مستحق آن است که وکیل در رابطه وکالتی خود با او، موازین اخلاق حرفه ای را رعایت نماید و از این منظر وی را به عنوان شهروندی از جامعه خود، مشمول موازین اخلاق حرفه ای و کالت نماید. با این شرح که وکیل نباید، مندرجات پرونده وکالت خود را که منتهی به صدور حکم نشده است، منتشر نموده و یا از طریق مطبوعات در ارتباط با جریان پرونده مربوطه بحث و اظهارنظر کند. حتی پس از صدور حکم قطعی نیز چنانچه، نیاز به طرح موضوع در معرض انتظار عامه و افکار عمومی باشد، باید با احترام، ادب و بی طرفی، آن را طبع و نشر نموده و برای جلوگیری از وارد شدن لطمہ به حیثیت و شیوه اشخاص از ذکر اسامی اصحاب دعوا احتراز کند. وکیل باید کلیه مسئولیت هایی را که در اثر مسامحه یا غفلت و یا اشتباهات غیرقابل گذشت و یا تقلب به صورت لطمہ و خسارته به حقوق موکلین وارد می سازد، به عهده گرفته و

آن را جبران کند. روابط بین وکیل و موکل، از جمله روابطی است که مسئولیت آن متوجه وکیل می‌باشد. لذا وکیل نباید دعوای مردم را به وسیله دلال‌ها و عمال دیگر، قبول کند. وکلای دادگستری، باید با رعایت موازین قانونی و حرفة‌ای، به بهترین وجه از حقوق موکلین خود دفاع کنند، حتی اگر این کار با منافع آنها در تعارض باشد. وکلای دادگستری در ارتباطات خود با موکلین باید صادق باشند و ضمن ارج نهادن به اعتماد آنها، در فرآیند ارائه خدمات به گونه‌ای عمل کنند که استقلال و اصول حرفة‌ای و کالت مخدوش نگردد. وکلای دادگستری، باید موکلین را از ابعاد مختلف پرونده آگاه سازند، حتی اگر این کار بر خلاف میل موکلین یا منافع خود وکلا باشد. (غضنفری، ۱۳۹۰) رعایت اخلاق حرفة‌ای نسبت به موکل در زمرة یکی از حقوق شهروندی هر شهروند و موکل بوده و به مثابه یکی از حق‌های اکتسابی بشری در چارچوب حق‌های بشری قرار دارد. از این زاویه، بدان سان که اخلاق حرفة‌ای، از چارچوب ارزش درآمده و در جامه حق قرار گرفته است، می‌تواند در صورت نقض، واجد ضمانت اجرا گردد و خاطی و ناقض آن را با توجیخ و سرزنش کیفر داد؛ توجیخ و سرزنشی که از محمل محاکم انتظامی نهاد و کالت بر وکیل بار می‌شود.

(حسینی، منفردی، ۱۳۹۳)

ضرورت حمایت از حقوق شهروندی و وکیل در مقابل اخلاق حرفة‌ای

اگرچه در بادی امر از اخلاق حرفة‌ای در عرصه وکالت به مثابه مجموعه ای از ارزش‌های اخلاقی یاد می‌شود که رعایت آن‌ها از سوی وکیل ضروری می‌نماید اما از سوی دیگر و به منزله روی دیگر این سکه، می‌توان از دل مقوله، حقی برای وکیل متصور گشت که بدان سان از ره گذر آن باید در مواردی مورد حمایت قرار گیرد. به تعییری دیگر دامنه قابلیت اعمال اخلاق حرفة‌ای محدود به حرفة وکیل بوده و نمی‌توان آن را به تمامی ابعاد زندگی وی تسری داد و از این راه، هر گونه فعل و انفعال وکیل را در چارچوب اخلاق حرفة‌ای توصیف و تعریف کرد. در این نگرش، اخلاق حرفة‌ای دارای مفهومی مضيق است. به این معنا که وصف «حرفة‌ای» آن را از مفهوم کلان «اخلاق» خارج ساخته و تنها بر گزاره‌ها و ارزش‌هایی نظر دارد که در حرفة وکالت و به واسطه ماهیت و سرشت و کالت موضوعیت می‌یابند. لذا، نمی‌شود که دامنه اخلاق حرفة‌ای را به هر گونه عمل وکیل تسری داد و بدان سان انتظار داشت برای نمونه در ارتباط با اخلاق حرفة‌ای و شأن وکیل، وکیل در یک مراسم عروسی از همان پوششی برخوردار باشد که در مراجع قضایی و به واسطه حرفة اش حاضر می‌شود یا در زمان مسافرت همان رفتار و پوششی را داشته باشد که در جلسه محاکمه بر تن دارد. واقعیت این است که در قبال گسترش دامنه اخلاق حرفة‌ای باید از حقوق وکلا دفاع کرد و اجازه نداد تا دامنه اخلاق حرفة‌ای چنان موسع تعریف گردد که زندگی وکلا را تحت شعاع قرار داده و مانع از اعمال بسیاری از حقوق آن‌ها از منظر حقوق شهروندی گردد. به تعییری دیگر، اخلاق در دامنه‌ای عام و اخلاق حرفة‌ای در معنای خاص آن گرچه ابزاری مفید و زمینه ساز ایجاد بسترها رعایت حقوق موکلین و شهروندان می‌گردد اما نباید این آرمان چنان توسعی گردد تا

حقوق عده ای دیگر یعنی حقوق شهروندی و کلا به باد فراموشی سپرده شود. از این روی، راه کار ایجاد و حفظ اعتدال در این میان بوده و باید چنان رفتار کرد و اتخاذ تصمیم نمود که ضمن تضمین حقوق شهروندی موکلین، حقوق شهروندی و کلابنیز تأمین گردد.

در این وضعیت، بدان سان که تأکید بر ضرورت رعایت حقوق شهروندی است، این حقوق در معنای عام شامل حقوق تمامی شهروندان می گردد و شامل دو طرف یک رابطه وکالتی، یعنی وکیل و موکل یا موکلین وی می شود. در نتیجه، با تأکید بر ضرورت حقوق شهروندی، اخلاق حرفه ای تا زمانی قابلیت اعمال می باید که حقوق شهروندی رعایت گردد و نمی توان به بناهه رعایت اخلاق حرفه ایف حقوق شهروندی هر یک از این اصحاب نادیده گرفته شود. با این بیان، مفهوم اخلاق حرفه ای تا محدوده ای می تواند گسترش یابد که ناقص حقوق شهروندی بازیگران سیناریوی و کالت نگردد. در این میان، در مورد وکیل، هم آوردنی میان اخلاق حرفه ای از یک سوی و حق شهروندی از سوی دیگر مطرح می شود و وانگهی در مورد موکل، اخلاق حرفه ای چه بسا در جامعه حقی شهروندی ظاهر می گردد. بنابراین، باید دو مقوله را از هم تفکیک کرد، به گونه ای که وضعیت اخلاق حرفه ای و حقوق شهروندی را به صورت مجزا در مورد وکیل و موکل او در نظر گرفت. با این توضیح که رابطه اخلاق حرفه ای و حقوق شهروندی را از یک منظر در خصوص وکیل مطرح و وضعیت آن را روشن کرد و از سویی دیگر، رابطه اخلاق حرفه ای و حقوق شهروندی را در خصوص موکل یا موکلین مورد مذاقه قرار داد. در وضعیت اخلاق حرفه ای و حقوق شهروندی در مورد وکلا می توان ابراز داشت که اخلاق حرفه ای در نقش یک تکلیف ظاهر می شود اما این اخلاق حرفه ای از چنان دامنه ای موسع برخوردار نیست که حقوق شهروندی موکل را به انزوا کشانده و به نوعی بهره گیری از آن ها را از سوی وکلا منتفي سازد. در این وضعیت، بدان یان که وکیل الزام دارد که اخلاق حرفه ای را در رابطه با موکلین و مراجعین خود رعایت نماید، ضرورت دارد که از وکلا در قبال اخلاق حرفه ای حمایت به عمل آید، به گونه ای که ضرورت اعمال اخلاق حرفه ای تا جایی پیش روی نکند که حقوق بنیادین شهروندی وکلا را نقض کند. بر این اساس، می توان چنین نتیجه گرفت که اخلاق حرفه ای در انجام حرفه وکلا ضرورتی است انکارناپذیر اما دامنه اعمال آن تا جایی است که ناقص حقوق شهروندی آن ها نباشد. چنین نتیجه ای در مقام عمل پیش از پیش نمایان می گردد و می شود مصادیق عدیده ای را در این زمینه به قلم راند. پوشش وکلا، به ویژه پوشش وکلای زن یکی از این مصادیق است که ضرورت اخلاق حرفه ای از یک سوی و ضرورت بهره مندی از حق بر انتخاب پوشش در تعارض هم قرار می گیرند. در این هم آورد، با توجه به نتیجه گیری مزبور، نتیجه چنین می شود که یک وکیل زن در مقام انجام حرفه وکالت باید در چارچوب اخلاق حرفه ای اش پوششی منطبق با این گستره داشته باشد و در خارج از این وضعیت، یک زن در جامه یک انسان و یک شهروند بوده که حق دارد پوشش خود را بگزیند. لذا، دامنه اعمال اخلاق حرفه ای منوط به زمانی می شود که یک وکیل زن در حین انجام فعالیت وکالتی باشد و بس. وانگهی، در مورد وکیل مرد نیز، پوشش وی تنها در

حين اشتغال به حرفه خود است و به هیچ روی، نباید دامنه اخلاق حرفه ای را چنان گسترده تعریف کرد که به موجب آن، نحوه پوشش وی در زمان مسافرت و برای نمونه در کنار دریا را ناقص اخلاق حرفه ای پنداشت و وی را توبیخ کرد. (ساعده، ۱۳۹۰)

شاخصه های اخلاق حرفه ای و کیل

به طور کلی یک و کیل خوب جهت احراق حق و حقوق شهروندان و موقیت خود در شغلش باید در اخلاق و رفتار خود دارای شاخصهایی باشد که همان اخلاق حرفه ای و کالت می باشد، در ذیل به آنها می پردازیم:

استعداد طبیعی و ذاتی

از دوران کودکی هر کس به یک شغلی علاوه مند می باشد و این علاوه باعث گرایش آن فرد در ذهن خود به آن شغل می شود و در این راستا استعدادهای خود را مورد محک قرار می دهد و در درون خود استعداد خود را کشف می نماید و ممکن است شخصی به آن شغل فکر نکند ولی استعدادهای یک شغلدر وی نهفته باشد. بنابراین موقیت در هر شغلی به استعداد وی مربوط می شود. اگر فرد بالغی را بینیم که با مهارت سخنوری می نماید و سعی می کند با دلیل و منطق و توجیه هر چند ناقص حرف خود را به کرسی بنشاند اگر خوب تربیت اخلاقی و علمی شود و کیل خوبی خواهد شد و این یک استعداد ذاتی و طبیعی است که آن فرد دارد بنابراین یک و کیل بیش از هر چیز باید دارای استعداد ذاتی و فطری باشد و از هر جهت بر گفتار و رفتار خود مسلط بوده و نظارت دقیق بر اعمال خویش داشته باشد. داشتن استعداد سخنوری، فصاحت و بلاغت برای یک و کیل لازم و ضروری است زیرا برای آنکه فرد بتواند حرف حق خود را به کرسی بشاند بهتر است که در گفتار خود دقیق، ساده، صدیق و با حرارت باشد و افکار و استدلالهای خود را با موضوع کامل و به شکل پسندیده و جالب بیان کند و خوب سخن گفتن باعث خوب فهمیدن قاضی در احراق حق خواهد بود. بنابراین و کیل باید دارای روحیه و سرشتی مبارز و مقاوم باشد و همچنین باید دارای جسارت و شجاعت و شهامت باشد و آنقدر باید دارای شهامت اخلاقی باشد که از هیچ چیز نهرasd و وظیفه ای خود را هرجند مخاطره آمیز باشد بدون تشویش و تزلزل انجام دهد.. و در راستای قانون و مقررات حرفه خود را ادامه دهد و شهامت و جسارت باید برای حق و عدالت باشد در غیر اینصورت از اخلاق حرفه ای دورتر می شود.

احترام به شان و کالت به وسیله و کیل

هر شغلی دارای شان اجتماعی است که رعایت شان آن حرفه ضروری است منظم و مرتب بودن لباس، تمیز بودن کفش ها، استفاده در حد معقول از عطر و مایعات خوشبو کننده انتظاری است که جامعه از

وکیل دادگستری به عنوان نمونه بر جسته قشر روشنفکر و تربیت شده اجتماع دارد رعایت وقار و ابهت در رفتار و گفتار و همچنین رعایت حداکثر ادب در مقابل حکام دادگاه و مسئولین قضایی از شاخصه های یک وکیل بوده و از برخورد با موکل و پذیرائی از او باید نهایت دقت و ریزبینی را معمول دارد. همچنین از حضور و رورد در برخی اماکن و محافای که در شان وکیل نیست خودداری کند.

تعهدات اخلاقی نسبت به جامعه

یکی از مهمترین تعهدات اخلاقی وکلا و مشاورین حقوقی این است که از قانون به مثابه ابزار استفاده ننماید به عبارت دیگر وکیل باید رویکردی درستکارانه نسبت به قانون داشته باشد و قواعد حقوقی و مقررات قانونی نباید وسیله ای برای نقض قانون، اضرار به دیگران یا قلب حق به ناحق باشد مقرراتی قانونی فقط باید در راه احراق حق مورد استفاده قرار گیرد شهروندان عادی اجتماع، همگی ملزم به استفاده مشروع و قانونی از قانون و قواعد حقوقی هستند در واقع آنان به عنوان شهروندان یک اجتماع، حق ندارند از قانون سواستفاده نموده و از آن به مثابه ابزار رسیدن به اهداف غیر قانونی استفاده نمایند در مقابل وکلا و مشاورین حقوقی به مثابه نمایندگان همان شهروندان در محاکم حاضر می شوند در مقام نمایندگی مجاز به استفاده از واجبات و محramات قانونی جز به طریق مشروع و برای احراق حق نیستند و در واقع حدود نمایندگی آنان و صلاحیت ایشان در همین حد است آنها از نظر اخلاقی مجاز نیستند که از مقررات قانون در راه نقض قانون و قلب حقوق و تعهدات موکل استفاده کنند (آزمایش، ۱۳۷۸)

سعی در صلح و سازش

صلح و سازش در دعاوی تنها مقوله ای است که طرفین دعوا رضایت بر آن دارند در غیر صلح و سازش هر چند عدالت به طور کامل رعایت شود همچنان کسی که حکم به ضرر وی صادر شده است از آن حکم ناراضی خواهد بود بنابراین صلح و سازش امتیاز مهمی است که وکیل باید سعی کافی در مورد آن داشته باشد چه بسا طرف دعوا نیز او را تمجید خواهد کرد. طبق آموزه های دینی بر اساس منطق عقلی و وجودانی و اصول رفتار اجتماعی و انسانی صلح و سازش مورد تأکید و تشویق قرار گرفته است و از جمله افرادی که در این زمینه صلح و سازش موثر و فعال باشند وکلای دعاوی هستند زیرا طرفین دعوا جهت دریافت مشاوره و ارایه راهکار تخصصی و طرح دعوا به آنها مراجعه کنند و وکلا میتوانند زمینه صلح و سازش را از همان ابتدا فراهم نمایند. (کشاورز، ۱۳۸۰)

اطلاعات عمومی و حقوقی

استعداد فریحی و ذاتی یک وکیل و دادگستری باید به وسیله اطلاعات عمومی وسیع و مطالعات حقوقی عمیق تکمیل شود. اطلاعات حقوقی باعث میشود که وکیل را قادر سازد که دعاوی و پرونده ها و مسائل قضایی را در سطح بالاتر و عمومی تر مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار دهد. (محمودی، ۱۳۹۰)

صداقت

صداقت علاوه بر اینکه یک ویژگی انسانی برای همه افراد است، یکی از ابزارهای موقیت و وسیله جلب اعتماد موکلین می باشد. حقوقی که موکل در هر پرونده ای دارد باید با صداقت بیان شود و قانون و مقرراتی که هر چند به ضرر موکل می باشد و ممکن است موجب ناراحتی موکل شود باید با صداقت بیان شود و کتمان کردن موضوعی از موکل باعث سلب اعتماد موکل خواهد شد پس صداقت نیز از شاخصه اهای وکیل خوب در اخلاق حرفه ای می باشد. وکیل دادگستری باید خلق ملایم داشته باشد. مهمترین صفتی که از نظر اخلاقی به منزله روح شغل و کالت تلقی میشود، شرافت و درستی عمل و کیل است. وکیل دادگستری باید کاملاً شرافتمد بوده و مظہر درستی و تقوی باشد تا بتواند احترام لباسی را که میپوشد و سوگندی را که میخورد محفوظ دارد. وکیل دادگستری فقط و فقط بر اثر جلب اعتماد موکلین و وکلای طرف و قضات است که میتواند موقعیت خود را در جامعه محفوظ و مستقر کند (شقاقی، ۱۳۹۰)

قدرت کار

وکالت دادگستری برخلاف بسیاری از مشاغل دیگر مستلزم قدرت و کار زیاد میباشد و همچنین علاوه بر قدرت و کار زیاد باید از لحاظ جسمی نیز قدرت مقاومت و توانایی بسیار داشته باشد لذا باید سلامت جسمی خود را حفظ نموده تا توانایی شرکت در کلیه مراحل دادرسی را داشته باشد تا وقتی به ساحل موقیت میرسد به دلیل پیری زودرس برکنار شود زیرا نمی توان زمان را از حرکت باز داشت و بلکه باید خود را برای استفاده از زمان طولانی حفظ و حراست کرد بنابراین قدرت کار که در واقع توانایی روحی و جسمی افراد می باشد لازم و ضروری به نظر می رسد.

حافظ اسرار

وکیل دادگستری باید ابتدا شغل خود را خوب شناخته و به نظمات مربوط به آن کاملاً آگاه باشد. و در جهت رشد شغل حرفه ای خود اخلاق حرفه ای را شناخته و به آن عمل کند. سرّ یا اسرار در قوانین تعریف نشده و در قوانین موجود تعریفی از سرّ یا اسرار بعمل نیامده است و حتی در آئین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلانیز که برای افشا اسرار به شرح بند ۲ ماده ۸۱ و بند ۵ ماده ۷۶ همان قانون مجازات ممنوعیت از سه ماه تا سه سال از حرفه وکالت را مقرر داشته است، تعریفی از سرّ یا اسرار بدست نداده است. در

فرهنگ لغت سر به معنای راز، امر پوشیده و نهفته (عمید، ۱۳۸۹) همچین به معنای کار پوشیده و مخفی (معین، ۱۳۸۷) آمده است. سر چیزی است که حق آن را پنهان کرده است و مردم را بدان دسترسی نیست.» مرحوم دکتر محمود سرشار به شرح زیر گزارش خود از کنگره بین المللی وکلای دادگستری روی هم تحت عنوان کد اخلاقی وکلا طرح پیشنهادی یکی از وکلای دادگستری مکریک به کنگره مذکور را ترجمه و در مواد ۱۰، ۱۱، ۱۲ آورده شده است: ماده ده کنگره بین المللی وکلای دادگستری آمده است که حفظ اسرار مربوط به شغل وکالت یکی از تکاليف و حقوق وکلای دادگستری است. اطلاق لفظ تکلیف در حفظ اسرار از لحاظ حقوق موکل است که باید رعایت این وصف از سایر اوصاف مختصه به این شغل تجاوز نکند ولی در رعایت و توجه به این اصل از نظر قضات و مقام قضایی کلمه حق به آن اطلاق خواهد شد، زیرا وکیل دادگستری میتواند اسراری را که مجبور به افشای آن باشد قبول نکند. هرگاه وکیل بعنوان ادای شهادت در دادگاهی دعوت شود، میتواند با کمال استقلال و آزادی تمام از پاسخ هر سوالی که منتهی به افشای اسرار شغلی او شود امتناع کند. همچنین ماده یازده کنگره مذکور بیان می دارد: وظیفه حفظ اسرار شغل وکالت نیز متضمن اسراری است که از طرف اشخاص ثالث به مناسبت شغل وکالت به شخص وکیل داده شده است و نیز وکیل باید در حفظ اسراری که در نتیجه مذاکرات جهت بستن قرارداد با وکیل ایجاد شده ولی صورت عمل بخود نگرفته است و همچنین اسراری که از طرف وکلا به شخص او داده شده است کوشایده و در مقام حفظ آن برآید. وکیل ناید هیچ گونه دعواهی را که در بعضی از قسمتها با اسراری که در انجام شغل وکالت از موکل به دست آورده، ارتباط دارد، بدون جلب رضایت او قبول کند و در ماده دوازده نیز آمده است: «اگر موکلی وکیل خود را متهم به ارتکاب جرایم کند وکیل مزبور حق دارد حقایق را به درجه و میزان تهمتی که به او استناد شده است بیان و اظهار کند و حتی در چنین مواردی وکیل میتواند اسراری را که از طرف موکل به او داده شده است، آشکار سازد». اگر موکل وکیل را از قصد خود به ارتکاب جرم مطلع کند، وکیل الزاماً به حفظ چنین سری نداشته و باید فوراً افشا کند زیرا هم کمک و معاونت به ارتکاب جرم مزبور نکرده و هم اشخاصی را که در معرض مخاطره بوده‌اند حفظ کرده و از ضرر و زیان حاصله از جرم نجات داده است. در قانون مجازات اسلامی و قانون آین دادرسی کیفری اخیر التصویب قانونگذار به نحوی وارد این مبحث و وظیفه و تکاليف وکلا شده و مقرراتی را وضع کرده است. در ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی آمده است: «اطباء و جراحان و ماماهها و داروفروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محروم اسرار میشوند هرگاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشا کنند، به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و یا به یک میلیون پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می شوند.» همچنین قانون گزار در ماده ۱۰۶ قانون آین دادرسی کیفری اخیر التصویب مقرر داشته است که: هرگاه متهم نوشته های خود را که موثر در کشف جرم است به وکیل خود یا شخص دیگری سپرده باشد، قاضی می تواند آنها را بر حسب مورد در حضور وکیل یا آن

شخص بررسی نماید و در صورت استنکاف از ارائه آنها، مستکلف به مجازات مقرر برای خلاصی متهم از محکوم خواهدشد. (شقاقی، ۱۳۹۰)

حرفه وکالت زیر ذره‌بین دقیق اجتماعی است بنابراین وکلا باید با رعایت اخلاق در رفتار و اعمال خود آنچنان باشند که نام نیک حرفه خود را پاس دارند و از راه راست شرافت خارج نشوند که ضمانت سوگند خود نموده اند اخلاق حرفه ای مثل وسیله دولت به است که یک دفعه قبل برای موکل و دیگری تکلیف برای وکیل است و با رعایت اخلاق حرفه ای نسبت به مکه ضمن عنایت راسخ به عدالت محوری و قانون‌گذاری حداکثر توان علمی خود را در پرونده موکل مصروف دارد در صورتی که وکیل اخلاق حرفه ای خود را برای شهروندان رعایت نکند خواه و ناخواه باعث کم شدن احترام و بی اعتباری می‌شود. (حاتمیان، ۱۳۹۳) وکیل نبایستی نظری به عقاید شخصی و درجه تقصیر متهمینی که دفاع آنها را عهده‌دار شده داشته باشد و اینکه مظلوم است با هرگونه وسائل قانونی برای دفاع از حقوق موکل خود مبادرت کند وکیل نباید به هیچ وجه مندرجات پرونده وکالت خود را که منتهی به صدور حکم شده است طبع و نشر نموده یا در مطبوعات در ارتباط با جریان پرونده مربوطه بحث و اظهار نظر کند وکیل موظف است که خدماتش را نسبت به وکیلش برابر موازین قانونی منع موثر و منجر به نتیجه گردد وکیل نباید موکل خود را مطمئن کند که در واقع محققاً پیشرفت دارد زیرا موارد گوناگون امکان دارد که در جریان دادرسی ظهور کند و در تصمیم‌گیری نسبت به آن دعوا موثر واقع نشود (سرشار، ۱۳۲۷)

نتیجه‌گیری

در دنیای امروز به روشنی می‌توان مدعی بود که اخلاق حرفه ای و ضرورت آن به مثالهای یک حق نمودار می‌گردد. حقی برای موکل که باید در ارتباط خویش با وکیل از آن برخوردار بوده و به واقع، وکیل، آن را در مراوده با موکلش رعایت نماید. به علاوه، روی دیگر آن به شکل تکلیفی نمودار می‌گردد که وکیل چون در جامه حرفه وکالت ظاهر می‌گردد ناگزیر به رعایت آن است. به واقع، اخلاق حرفه ای شیوه وسیله‌ای دو لبه است که یک لبه آن حق و لبه دیگر آن تکلیف است. حقی برای موکل و تکلیفی برای وکیل. اما به واقع زمانی می‌توان در عالم عمل شاهر این مقوله باشیم که لوازم تحقق آن نیز فراهم باشد. باید بسترهای لازم برای تحقق بایسته‌های اخلاق حرفه ای فراهم باشد تا بتوان هم بر چهره تکلیف وکیل رنگ و لعاب روشنی بخشید و هم حق موکل را برای وکیل نمایان ساخت. با این حال، گرچه وکیل در رابطه با موکلش وظیفه دارد تا موازین اخلاقی را رعایت نماید، خود باید در مقابل اخلاق حرفه ای وکالت مورد حمایت قرار گیرد. نباید اخلاق حرفه ای چندان وسیع تعریف گردد که تمامی زوایای زندگی وکیل را دربر گیرد و وی را از حقوق و آزادی‌های اش محروم سازد. زیرا در این صورت و به واقع در این تعارض، اساساً غلبه با توجه وکیل به حقوق و آزادی‌های خود بوده و رعایت اخلاق حرفه ای در وهله دوم قرار می‌گیرد. چنین وضعیتی منجر به فنای اخلاق حرفه ای و بی نظمی در جامعه وکلا می‌گردد. بر این

اساس، اخلاق حرفه ای از دامنه ای برخوردار است که ناقص حقوق و آزادی های وکیل نباشد. گستره آن تا جایی است که حقوق و آزادی های شهروندی وکیل را تحت شعاع خود قرار ندهد. (سaud، ۱۳۹۰) وکیل باید یکسری ویژگی هایی داشته باشد که می بایست آنها را در اخلاق حرفه ای خود به کار گیرد نظیر: استعداد طبیعی و ذاتی، داشتن ظاهری مناسب در شان، شرایط اخلاقی و فطری، سعی در صلح و سازش، اطلاعات عمومی و حقوقی، قدرت کار، ایجاد روابط دوستی و آشنائی، عشق و علاقه به شغل و کالت، و... . همچینین یک وکیل باید وعده های بی پشتونه، زیرکی و ریا کاری را از خود دور کند. زیرا سر انجام افشا می شود اما شرافت، صداقت، صراحت، دانش، مهربانی و ادب موجب کسب حیثیت معنوی و حرفه ای و احترام و اعتماد واقعی خواهند بود. رفتار وکیل باید بازتاب اعتبار حرفه حقوقی و ممد اعتبار و احترام و اعتماد موکلین و جامعه باشد و نیز از هرگونه رفتار دور از شان پرهیز کند. یک وکیل باید همیشه نظامات و قوانین را محترم بشمارد و جزء عدالت و احراق حق مقصودی نداشته باشد و بر خلاف شرافت قضاؤت و کالت، احترام و اظهاری نکند و نسبت به اشخاص و مقامات قضائی و اداری و اصحاب دعوی و سایر اشخاص رعایت احترام را کرده و از اعمال نظریات سیلیسی و خصوصی و کینه توزی و انتقام جوئی احتراز کرده و در امور شخصی و کارهایی که از طرف اشخاص انجام می دهد راستی و درستی را رویه خود قرار داده مدافعان حق باشد. امروزه می توان مدعی شد که اخلاق حرفه ای و ضرورت آن به مثاله یک حق نمودار می گردد. حقی برای موکل که باید در ارتباط خویش با وکیل از آن برخوردار بوده و به واقع، وکیل آن را در مراوده با موکلش رعایت نماید. اخلاق حرفه ای و ضرورت رعایت آن، به عنوان یک حق شهروندی نمودار می شود. حقی برای موکل، که باید در ارتباط خویش با وکیل، از آن برخوردار بوده و وکیل آن را در ارتباط با موکلش، رعایت نماید. این فرایند به شکل تکلیفی نمودار می شود که وکیل چون در جامه حرفه و کالت ظاهر می شود، ناگزیر به رعایت آن است. درواقع، اخلاق حرفه ای، شامل دسته ای حق و گروهی از تکلیف است. (توسلی فارفانی، اسداللهی، ۱۳۹۳)

پیشنهادات

لذا ضروری است قوانین و مقررات و کالت به کارآموزان تدریس و امتحان گرفته شود. امروز در اکثر کشورهای پیشرفته دنیا، کانونهای و کلا برای جوانانی که شروع به کار می کنند مقرراتی وضع و آنرا را چه در دوره کارآموزی و یا بعد آن، با رعایت این مقررات با نظامات مربوط به شغل خود آشنا می کنند. این مقررات شامل یک رشته تعلیمات مخصوصی است که تنها آزمایش عملی و کیل در دفاع نبوده و بیشتر از نظر موضوعی مربوط به نظامات شغل و کالت است. در جهت طی همین طریق مهم است که کانون و کلای دادگستری مرکز نیز به همت دادسرای انتظامی کانون تصمیم گرفته است با انجام یک رشته سخنرانی های کوتاه، همکاران عزیز و کارآموزان محترم را با نظامات مربوط به حرفه و کالت هرچند اندک آشنا کند.

فهرست منابع و مأخذ

- برلیت، آیازیا. (۱۳۸۷). آزادی و خیانت بر آزادی تهران: ماهی
- بهرامی، حسین. و میرطاهری، لیلا. (۱۳۹۵). اخلاق حرفه ای: تهران: ادبیان روز
- توسلی فارفانی، رضا. و اسداللهی، رضا. (۱۳۹۳). اخلاق حرفه ای در وکالت و ارتباط آن با حقوق شهر وندی، (اولین همایش ملی و کالت، اخلاق، فقه و حقوق)، دانشگاه آزاد اسلامی یزد واحد مبید
- خداداد بناب، رسول. (۱۳۹۳). اخلاق حرفه ای و کالت و حقوق شهر وندی، (اولین همایش ملی و کالت، اخلاق، فقه و حقوق)، دانشگاه آزاد اسلامی یزد واحد مبید
- دوانی، جلال الدین. (۱۳۹۳). اخلاق جلالی، تهران: نشر اطلاعات
- دهقان، سعید. و صادقیان، آرش. و حیدری، لیلا و ضمیری، محمد رضا. . (۱۳۸۸). ما و ما گذری بر حقوق و اخلاق شهر وندی، تهران، موسسه دین پژوهی بشر
- رستمی، مرجان. (۱۳۹۳). اخلاق حرفه ای و رابطه آن با حقوق شهر وندی، (اولین همایش ملی و کالت، اخلاق، فقه و حقوق)، دانشگاه آزاد اسلامی یزد واحد مبید
- زاگال، هکتور. و گالیندو، خوزه. (۱۳۸۶). فلسفه اخلاق چیست داوری اخلاقی: تهران: حکمت
- ساعد، محمد جعفر. (۱۳۹۰). اخلاق حرفه ای و کالت و رابطه آن با حقوق شهر وندی. ماهنامه مدرسه حقوق کانون و کلام اصفهان، شماره ۶۳، ۷۸-۸۷
- سرشار، محمود. (۱۳۲۷). مجموعه مقالات اخلاقی، تهران: مجله کانون و کلام، ۱۹-۱۳
- سید فاطمی،. (۱۳۸۸). حقوق بشر در جهان معاصر: تهران: موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی
- شقاقي، بيژن. (۱۳۸۲). اخلاق حرفه ای / حفظ اسرار. کانون و کلام، شماره ۱۸۰، ۱۸۱ و ۲۶۰-۲۶۶
- طبا طبا ئی، سید محمد حسین. (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان: قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی
- عمید، حسن. (۱۳۸۹). فرهنگ فارسی: تهران: صدای معاصر
- غضنفری، علی اکبر. (۱۳۹۰). درآمدی بر اخلاق حرفه ای و کالت. مجله کانون و کلام دادگستری مرکز، شماره ۲۱۲، ۵۶-۵۲
- کشاورز، بهمن. (۱۳۸۰). وکیل دادگستری و اخلاق حرفه ای: تهران: کشاورز
- محمودی، اشرف. (۱۳۹۰). اخلاق حرفه ای در وکالت. مجله کانون، شماره ۲۱۲، ۱۱۵-۹۵
- معین، محمد. (۱۳۸۷). فرهنگ فارسی: تهران: سرایش
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۵). اخلاق در قرآن (جلد اول): قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).
- منفردی، آذین. و حسینی، سید حسین. (۱۳۹۳). اخلاق حرفه ای و کالت و حقوق شهر وندان، (اولین همایش ملی و کالت، اخلاق، فقه و حقوق)، دانشگاه آزاد اسلامی یزد واحد مبید
- وکيلي، افшиن (۱۳۹۱). اخلاق آکادمیک: نشریه موج، سال چهارم، شماره ۵، ۱۷